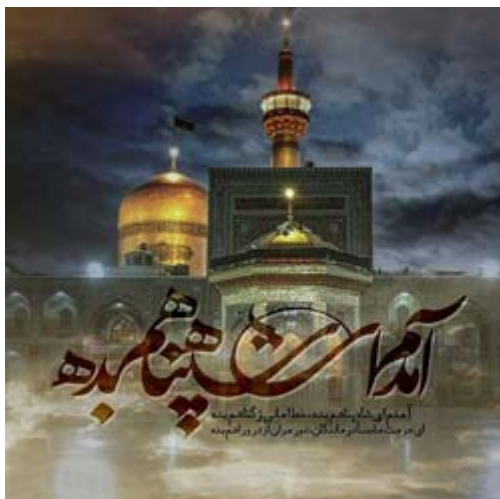


فضایل امام رضا (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

این از چیزهایی است که تمام مورخان درباره آن اتفاق نظر دارند. کوچکترین مراجعه به کتابهای تاریخی این نکته را بخوبی روشن میگرداند. حتی مامون بارها خود در فرصتهای گوناگون آن را اعتراف کرده میگفت:

رضا(علیه السلام) دانشمندترین و عابدترین مردم روی زمین است. وی همچنین به رجاء بن ابیضاحك گفته بود:

«... بلی ای پسر ابیضاحك، او بهترین فرد روی زمین، دانشمندترین و عبادت پیشه‌ترین انسانهاست...» (1)

مامون به سال 200 که بیش از سی و سه هزار تن از عباسیان را جمع کرده بود، در حضورشان گفت:

«... من در میان فرزندان عباس و فرزندان علی رضی الله عنهم بسی جستجو کردم ولی هیچیک از آنان را با فضیلت تر، پارسا تر، متدین تر، شایسته تر و سزاوارتر به این امر از علی بن موسی الرضا ندیدم (2)».

موقعیت و شخصیت امام رضا (علیه السلام)

این موضوع از مسائل بسیار بدیهی برای همگان است. تیره‌گی روابط بین امین و مامون به امام این فرصت را داد تا به وظایف رسالت خود عمل کند و به کوشش و فعالیت خویش بيفزاید. شیعیانش نیز این فرصت را یافتند که مرتب با او در تماس بوده از راهنماییهایش بهره ببرند.

پس در نتیجه، امام رضا از مزایای منحصر به فردی سود میجست و توانست راهی را بپیماید که به تحکیم

موقعیت و گسترش نفوذش در قسمت‌های مختلف حکومت اسلامی بیانجامد حتی روزی امام به مامون که سخن از ولایتعهدی میراند، گفت: «... این امر هرگز نعمتی برایم نیفزوده است. من در مدینه که بودم دستخطم در شرق و غرب اجرا میشد. در آن موقع، استر خود را سوار میشدم و آرام کوچه‌های مدینه را میپیمودم و این از همه چیز برایم مطلوبتر مینمود...» (3).

در نامه ای که مامون از امام تقاضا میکند که اصول و فروع دین را برایش توضیح دهد، او را چنین خطاب میکند: «ای حجت خدا بر خلق، معدن علم و کسی که پیروی از او واجب میباشد...» (4). مامون او را «برادرم» و «ای آقای من» خطاب میکرد.

در توصیف امام، مامون برای عباسیان چنین نگاشته بود: «... اما اینکه برای علی بن موسی بیعت می‌خواهم، پس از احراز شایستگی او برای این امر و گزینش وی از سوی خودم است... اما اینکه پرسیده‌اید آیا مامون در زمینه این بیعت‌بینش کافی داشته، بدانید که من هرگز با او بیعت نکرده مگر با داشتن بینایی کامل و علم به اینکه کسی در زمین باقی نمانده که به لحاظ فضیلت و پاکدامنی از او وضع روشنتری داشته و یا به لحاظ پارسایی، زهد در دنیا و آزادی بر او فزونی گرفته باشد.

کسی از او بهتر جلب خشنودی خاص و عام را نمیکند و نه در برابر خدا از وی استوارتر کسی دیگر یافت میشود...» (5).

از یادآوری این مطالب به وضوح به خصوصیات امام، موقعیت و منش وی پی می‌بریم، مگر نگفته‌اند که: «فضیلت آن است که دشمنان بر آن گواهی دهند؟»

باز از چیزهایی که دلالت بر بزرگی و شوکت امام دارد، روایتی است که گزارش کننده چنین نقل میکند: «من در معیت امام بر مامون وارد شدم. مجلس مملو از جمعیت بود، محمد بن جعفر را گروهی از طالبیان و هاشمیان احاطه کرده بودند و فرماندهان نیز حضور داشتند. به مجرد ورود ما، مامون از جا برخاست، محمد بن جعفر و تمام افراد بنی هاشم نیز بر پا شدند. آنگاه امام و مامون در کنار هم نشستند، ولی دیگران همچنان ایستاده بودند تا امام همه را اذن جلوس داد. آنگاه ساعتی بگذشت و مامون همچنان غرق توجه به امام بود...» (6).

پینوشت‌ها:

- (1) بحار / 49 / ص 95 - عیون اخبار الرضا / 2 / ص 183 و سایر کتابها.
 - (2) مروج الذهب / 3 / ص 441 - الکامل، ابن اثیر / 5 / ص 183 - الاداب السلطانية / ص 217 - طبری / 11 / ص 1013 (چاپ لندن) - مختصر تاریخ الدول / ص 134 - تجارب الامم / 6 / ص 436.
 - (3) بحار / 49 / ص 155، 144 - الکافی / 8 / ص 151 - عیون اخبار الرضا / 2 / ص 167.
 - (4) نظریة الامامة / ص 388.
 - (5) متن عربی این نامه در پایان اصل کتاب آمده است.
 - (6) مسند الامام الرضا / 2 / ص 76 - بحار / 49 / ص 175 - عیون اخبار الرضا / 2 / ص 156.
- کتاب: زندگی سیاسی امام هشتم، ص 92